



انجام دادم انجام دادی انجام دادی

## الدَّرْسُ الرَّابِعُ (فعل ماضی: فَعَلْتُ، فَعَلْتَ، فَعَلْتِ)

کجا رفتی؟ رفتم به سوی بازار  
 اَيْنَ ذَهَبْتِ؟ - ذَهَبْتُ إِلَى السُّوقِ.

مقدمه

ابتدا لازم است که انواع کلمه را بشناسیم

فعل چیست: کلمه ای است که هم دارای معنا و هم دارای زمان (گذشته، حال، آینده) میباشد. مانند: رفت  
 اسم چیست: کلمه ای است که دارای معنا می باشد ولی زمان ندارد مانند: خودکار، علی  
 حرف چیست: کلمه ای است که نه دارای معنا و نه دارای زمان می باشد مانند: از، به، با

arabi\_7\_8\_9

امسال با فعل ماضی آشنا می شویم

فعل ماضی: فعلی است که بر انجام کاری در زمان گذشته دلالت می کند مانند: شنیدم ، رفتند

نکته: فعل ها چه در زبان عربی و چه در زبان فارسی دارای ریشه می باشند که با افزودن شناسه به آخرشان، معنای مختلفی پیدا می کنند

مثال: رفت (ریشه فعل) + ید (شناسه) = رفتید

رفت (ریشه فعل) + م (شناسه) = رفتم

# الدَّرْسُ الرَّابِعُ

الْمُعْجَم: واژه‌نامه (۲۸ کلمه)

بسیار متشگرم	شُكْرًا جَزِيلًا:	گرفت، برداشت	أَحَدًا:	فعل ماضی
چادر	عَبَاءَةٌ:	خرید إِشْتَرَيْتُ: خریدم إِشْتَرَيْتُ: خریدی «مذکر» إِشْتَرَيْتُ: خریدی «مؤنث»	إِشْتَرَيْتُ:	فعل ماضی
پرچم	عَلَمٌ:	خورد أَكَلْتُ: خوردی «مؤنث» أَكَلْتُ: خوردم	أَكَلْتُ:	فعل ماضی
دارم، نزد من	عِنْدِي:	هزار	أَلْفٌ:	فعل ماضی
شُست	غَسَلَ:	یا	أَمٌّ:	أم : مادر
پیراهنِ زنانه	فُسْتَانٌ:	ماند ماندی	بَقِيَ:	فعل ماضی
خواند	قَرَأَ:	ویزا	تَأْشِيرَةٌ:	فعل ماضی
بود	كَانَ، كَانَتْ:	سیب	تُفَاحٌ، تُفَاحَةٌ:	فعل ماضی
نوشت	كَتَبَ:	یاد کرد	ذَكَرَ:	فعل ماضی
هیچ فرقی نیست	لَا فَرْقَ:	رفت	ذَهَبَ:	فعل ماضی
چرا، برای چه	لِمَاذَا:	نامه	رِسَالَةٌ:	فعل ماضی
راهپیمایی	مَسِيرَةٌ:	بالا بُرد، برداشت	رَفَعَ:	فعل ماضی
لباس‌ها جمع مکسر مفردش: لباس	مَلَابِسٌ:	بازار	سَوْقٌ:	فعل ماضی
تو به تنهایی «مذکر» تو به تنهایی «مؤنث»	وَخَدَكَ: وَخَدِكَ:	پلیس	شُرْطِيّ:	فعل ماضی

ضمیر متصل  
ضمیر متصل

در بازار  
فِي السُّوقِ



- **أَيْنَ** ذَهَبْتَ يا أُمِّ حَمِيدٍ؟

کجا رفتی ای مادر حمید؟

- **هَلْ** اشْتَرَيْتِ شَيْئًا؟

آیا خریدی چیزی را؟

- **أَأَذْهَبْتَ** وَحْدَكَ؟

آیا به تنهایی رفتی؟

- **كَيْفَ** كَانَتْ قِيَمَةُ الْمَلَابِسِ؛ رَخِيصَةً أَمْ غَالِيَةً؟

قیمت لباس ها چطور بود؛ ارزان یا گران

- **فَمَاذَا** اشْتَرَيْتِ؟

پس چرا خریدی؟

- **مَاذَا** اشْتَرَيْتِ؟

چه چیزی خریدی؟

- **مَلَابِسٌ** جَمِيلَةٌ! فِي أَمَانِ اللَّهِ.

لباس های زیبایی است. خداحافظ

- **ذَهَبْتُ** إِلَى سَوْقِ النَّجَفِ.

رفتم به سوی بازار نجف

- **نَعَمْ؛** اشْتَرَيْتِ **مَلَابِسٌ** نَسَائِيَّةً.

بله خریدم لباس های زنانه ای را

- لا؛ **ذَهَبْتُ** مَعَ صَدِيقَاتِي.

نه، رفتم با دوستانم

- **مِثْلَ** إِيْرَانِ؛ **لَا** فَرْقَ؛ **لَكِنْ** اشْتَرَيْتِ.

مثل ایران. هیچ فرقی نیست، اما خریدم

- **اشْتَرَيْتِ** لِلهِدِيَّةِ.

برای هدیه دادن خریدم

- **فَسْتَنَا** وَ **عِبَاءَةً**.

لباس های زنانه و چادر

- **شُكْرًا** جَزِيلًا؛ **مَعَ** السَّلَامَةِ.

ممنون. به سلامت



- **أَيْنَ ذَهَبْتَ** يا أبا حميد؟

کجا رفتی ای پدر حمید

- **هَلْ اشْتَرَيْتَ شَيْئًا؟**

آیا خریدی چیزی را؟

- **أُذْهَبْتُ وَحْدًا؟**

آیا به تنهایی رفتی؟

- **كَيْفَ كَانَتْ قِيَمَةُ الْمَلَابِسِ؛ رَحِيصَةً أَمْ غَالِيَةً؟**

قیمت لباس ها چطور بود؟ ارزان یا گران

- **فَلِمَاذَا اشْتَرَيْتَ؟**

پس چرا خریدی؟

- **مَاذَا اشْتَرَيْتَ؟**

چه چیزی خریدی؟

- **مَلَابِسٌ جَمِيلَةٌ! فِي أَمَانِ اللَّهِ.**

لباس های زیبایی است. خداحافظ

- **ذَهَبْتُ إِلَى سَوْقِ النَّجَفِ.**

رفتم به سوقِ بازار نجف

- **نَعَمْ؛ اشْتَرَيْتَ مَلَابِسَ رَجَالِيَّةً.**

بله خریدم لباس های مردانه ای را

- **لَا؛ ذَهَبْتُ مَعَ أَصْدِقَائِي.**

نه، رفتم با دوستانم

- **مِثْلَ إِيْرَانِ؛ لَا فَرْقَ؛ لَكِنْ اشْتَرَيْتَ.**

مثل ایران. هیچ فرقی نیست، اما خریدم

- **اشْتَرَيْتَ لِلْهِدِيَّةِ.**

برای هدیه دادن خریدم

- **قَمِيصًا وَسِرْوَالًا.**

پیراهن و شلوار

- **شُكْرًا جَزِيلًا؛ مَعَ السَّلَامَةِ.**

ممنون به سلامت

فعل ماضی (ا)



**مَاذَا قَرَأْتَ؟** چه چیزی خواندی؟

**قَرَأْتُ الْقُرْآنَ.** قرآن خواندم



**مَاذَا أَكَلْتَ؟** چه چیزی خوردی؟

**أَكَلْتُ تَفَاحَةً.** سیب خوردم

**اول شخص  
مفرد (أنا)**

مثال 1	ذَهَبَ + تَ	أنا ذَهَبْتُ
ترجمه فارسی	رفت + م	من رفتم
مثال 2	رَجَعْتُ + تَ	أنا رَجَعْتُ
ترجمه فارسی	برگشت + م	من برگشتم

**دوم شخص  
مفرد (أنت)**

مثال 1	ذَهَبَ + تَ	أنت ذَهَبْتَ
ترجمه فارسی	رفت + ی	تو رفتی
مثال 2	رَجَعْتُ + تَ	أنت رَجَعْتَ
ترجمه فارسی	برگشت + ی	تو برگشتی

**دوم شخص  
مفرد (أنت)**




مثال 1	ذَهَبَ + تَ	أنت ذَهَبْتَ
ترجمه فارسی	رفت + ی	تو رفتی
مثال 2	رَجَعْتُ + تَ	أنت رَجَعْتَ
ترجمه فارسی	برگشت + ی	تو برگشتی

با فعل ماضی در درس فارسی آشنا شده‌اید.

فعل ماضی بر زمان گذشته دلالت دارد؛ مانند: «رفتم: ذهب».

از درس چهارم تا پایان درس دهم با فعل ماضی آشنا می‌شوید.

به جمله‌های فارسی و عربی زیر دقت کنید.

من انجام دادم.	اول شخص مفرد	أنا فَعَلْتُ. (متکلم وحده)	
تو انجام دادی.	دوم شخص مفرد	أنتَ فَعَلْتَ. (مفرد مذکر مخاطب)	
		أنتِ فَعَلْتِ. (مفرد مؤنث مخاطب)	



**أنا رَفَعْتُ** عَلَمَ إِيْرَانِ.  
من پرچم ایران را بالا بردم



**أنتِ قَرَأْتَ** كِتَابًا عِلْمِيًّا.  
تو کتابی علمی خواندی



**أنا كَتَبْتُ** رِسَالَةً لِصَدِيقِي.  
من نامه ای برای دوستم نوشتم



**أنتَ اخَذْتَ** كِتَابًا مُفِيدًا.  
تو کتاب مفیدی را گرفتی

## الْتَمَارِين

### ۱ التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ:

جمله‌های زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر فعل‌های ماضی خط بکشید.

۱. أَيُّهَا الْمُسَافِرُ، أَذَهَبْتَ إِلَى الْفُنْدُقِ؟ - لا؛ ذَهَبْتُ إِلَى السُّوقِ.

ای مسافر، آیا به هتل رفتی؟ - نه، به بازار رفتم.

۲. مِنْ أَيْنَ أَخَذْتَ قَمِيصَكَ؟ - أَخَذْتُهُ مِنْ هُنَاكَ.

پیراهنت را از کجا گرفتی؟ - گرفتم آن را از آنجا.

۳. مَاذَا غَسَلْتَ؟ - غَسَلْتُ وَجْهِي وَ يَدَيَّ لِلْوُضوءِ.

چه چیزی را شستی؟ - شستم صورتم و دستم را برای وضو.

۴. مَاذَا اشْتَرَيْتَ؟ - اشْتَرَيْتُ فُسْتَانًا وَ عِبَاءَةً.

چه چیزی خریدی؟ - خریدم پیراهن زنانه و چادری را.

### ۲ التَّمْرِينُ الثَّانِي:

گزینه درست را انتخاب کنید.

۱. كَمْ تَفَاحَةً أَكَلْتَ؟ ..... تَفَاحَتَيْنِ.

چند سیب خوردی؟ خوردم دو سیب

۲. أَأَنْتَ ..... هَدَيْتَكَ؟

آیا تو گرفتی هدیه ات را؟

۳. أَنْتَ ..... صَدِيقَتِكَ.

تو یاد کردی دوستت را

۴. أَأَنْتَ ..... الْعَلَمَ؟

آیا تو بالا بردی پرچم را؟

۵. أَنَا ..... مَلَابِسِي.

من شستم لباس هایم را

أَكَلْتُ

خوردم

أَخَذْتُ

گرفتم

ذَكَرْتُ

یاد کردی

رَفَعْتُ

بالا بردی

غَسَلْتُ

شستی

أَكَلْتُ

خوردم

أَخَذْتُ

گرفتی

ذَكَرْتُ

یاد کردی

رَفَعْتُ

بالا بردم

غَسَلْتُ

شستم

## الأربعينيات

جَوَارَتْ فِي مَسِيرَةِ الْأَرْبَعِينَ الْحُسَيْنِيِّ عِنْدَ الشَّرْطِيِّ  
مُتَفَتِّهَاتِي فِي مَسِيرِ أَرْبَعِينَ حُسَيْنِي نَزْدَ بَلِيسِ

- أَلشَّرْطِيُّ: أَيْنَ جَوَارَتْ؟  
بَلِيسِ
- أَلزَّائِرُ: هَذَا جَوَارِي.  
زَائِرُ: أَيْنَ كُنْتَ نَامَةً مِنْ أَسْتِ
- أَلشَّرْطِيُّ: هَلْ عِنْدَ تَأْشِيرَةٍ؟  
بَلِيسِ
- أَلزَّائِرُ: نَعَمْ، عِنْدِي.  
زَائِرُ: بَلْه، دَارِمِ
- أَلشَّرْطِيُّ: كَمْ يَوْمًا بَقَيْتَ هُنَا فِي الْكَاطِمِيَّةِ؟  
بَلِيسِ
- أَلزَّائِرُ: چَند رُوزِ اَيْنِجَا دَرِ كَاظِمِينَ مَانْدِي؟  
بَلِيسِ
- أَلشَّرْطِيُّ: يَوْمًا وَاحِدًا.  
زَائِرُ: يَكُ رُوزِ كَمْ؟
- أَلشَّرْطِيُّ: تَعْدَادَاتَانِ چَندْتَا أَسْتِ؟  
بَلِيسِ
- أَلزَّائِرُ: ثِنْعَاشَرَ زَائِرًا.  
زَائِرُ: مَا دَوَاذِدَهُ زَائِرِ هَسْتِمِ

